

## بررسی رابطه تدین با سازگاری زناشویی در بین کارمندان تامین اجتماعی شهر تبریز

صمد صباغ<sup>۱</sup>

امیدعلی خوش‌الحان<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۷/۳۰

### چکیده

هدف این پژوهش بررسی رابطه تدین با سازگاری زناشویی در بین کارمندان تامین اجتماعی شهر تبریز در سال ۱۳۹۵ بود. این پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر روش اجرای پژوهش پیمایشی و از نظر جمع‌آوری داده‌ها میدانی می‌باشد. جامعه آماری کارکنان متأهل سازمان تامین اجتماعی شهر تبریز می‌باشد که طبق آمار اعلامی اداره مربوطه ۴۵۰ نفر می‌باشد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۲۰۷ مورد برآورد گردید که اعضای آن به صورت نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه سازگاری زناشویی گراهام بی اسپانیر (DAS) و پرسشنامه محقق ساخته انواع تدین استفاده گردید که دارای اعتبار و پایایی قابل قبول بودند. برای تجزیه تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد، نتایج پژوهش حاکی از ارتباط مثبت معنی‌دار بین میزان تدین و سازگاری زناشویی بود. از انواع تدین، نوع سنتی، نوع تحقیقی و نوع دین‌جویان با سازگاری زناشویی ارتباط مثبت معنی‌دار داشت. همچنین از انواع تدین، بین نوع دین‌گريزان با سازگاری زناشویی ارتباط معنی‌داری وجود نداشت. همچنین از انواع تدین، نوع بی‌تفاوت‌ها و دین‌ستیزان با سازگاری زناشویی ارتباط معکوس معنی‌دار داشت.

واژگان کلیدی: سازگاری زناشویی، تدین، انواع دین‌داری.

۱. استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز- ایران (نویسنده مسئول).

E-mail: sabagh@iaut.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز- ایران.

## مقدمه

خانواده به لحاظ قدمت، ابتدایی‌ترین و از لحاظ گستردگی، جهانشمول‌ترین نهاد اجتماعی می‌باشد. این امر نشان می‌دهد که تشکیل خانواده یکی از اساسی‌ترین نیازهای انسان محسوب می‌شود. اولین گام برای ارضای این نیاز اساسی ازدواج است. اما به رغم خوشایند بودن پیوند ازدواج، داده‌های آماری حکایت از آن دارد که رضایت زوجین به آسانی قابل دسترسی نیست. در نتیجه قوی‌ترین پیوند انسانی یعنی ازدواج در مستحکم‌ترین قرارگاه آن یعنی سامانه خانواده در معرض خطر جدی قرار دارد؛ افزایش میزان طلاق در جوامع مختلف و نیز کشور ما (گزارش سازمان ثبت احوال، ۱۳۸۳)، موید این مطلب است. رضایت زناشویی یکی از مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های عملکرد سالم نهاد خانواده می‌باشد (گریف، ۲۰۰۰: ۴۶). الیس (۱۹۸۹)، رضایت زناشویی را «احساس عینی خشنودی، رضایت، و لذت زن و شوهر از تمامی روابط خود» تعریف می‌نماید. عوامل متعددی، رضایت‌مندی زناشویی زوجین را تحت تأثیر قرار می‌دهد که از آن جمله می‌توان به رضایت از خلق و خوی همسر (بلوم و مهرابیان<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹)، اعتماد، وفاداری و عشق (روزبلاط و همکاران<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹)، و درآمد و اشتغال همسر (ویجینتی‌مالا، کوماری و پاندا<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴: ۱۰)، اشاره کرد. از آن جایی که دو نهاد دین و خانواده ارزش‌های مشابهی را مورد تأکید قرار می‌دهند، و برای تقویت اجتماعی شدن<sup>۴</sup> به هم وابسته هستند، پژوهشگران رابطه نزدیک بین آن دو را پیش‌بینی می‌کنند. این جهت‌گیری منجر به بیان عباراتی از این قبیل گردید که دین می‌تواند روابط زناشویی را تقویت و استحکام بخشد (کال و هیتون<sup>۵</sup>، ۱۹۹۷). نگرش دینی می‌تواند در ارتباط زناشویی موثر باشد، زیرا دین شامل رهنمودهایی برای زندگی و ارائه دهنده سامانه باورها و ارزش‌ها است که این ویژگی‌ها می‌توانند زندگی زناشویی را متأثر سازند (هانلر و گنچوز، ۲۰۰۵). از سوی دیگر نگرش‌های افراد خانواده در مورد دین، استمرار و انتقال ارزش‌ها و رفتارهای دینی به نسل‌های دیگر را شکل دهد. از این رو رابطه دین و خانواده را می‌توان یک رابطه اثرگذاری و اثرپذیری در نظر گرفت. بنابراین پژوهش حاضر در جهت پی بردن به ارتباط تدین تحقیقی، تقلیدی (سنتی)، دین‌جویان (تردید)، بی‌تفاوت‌ها، دین‌گریزان، دین‌ستیزان) با سازگاری زناشویی کارکنان متأهل سازمان تأمین اجتماعی شهر تبریز است. خانواده یکی از نهادهای بنیانی جامعه انسانی است که همواره به اشکال گوناگون در طی تاریخ وجود داشته است. خانواده با کارکردها و نقش‌های مختلفی که بر عهده دارد در تنظیم زندگی اجتماعی انسان نقش مهمی را ایفا می‌کند. انسان در درون خانواده متولد شده، رشد یافته و بسیاری از امور و مفاهیم را از خانواده فرا می‌گیرد و همواره با آن سر و

1. Blum & Mehrabian

2. Roizblatt

3. Vaijayanthimala Kumari, K. & Panda

4. Socialization

5. Call & Heaton

کار دارد، بنابراین مهم‌ترین تجربیات انسانی که اساسی‌ترین عوامل شکل دهنده شخصیت محسوب می‌شود در درون خانواده شکل می‌گیرد. آموختن زبان و آداب و رسوم و برقراری روابط اجتماعی، ظهور افکار و اندیشه‌ها و همچنین جهت‌دهی به شخصیت انسان همه از خانواده شروع می‌شود. به همین جهت، خانواده تأثیرات عمده و عمیقی بر دیگر نهادهای اجتماعی خواهد داشت. خانواده به عنوان مؤسسه‌ای که سرنوشت حیات اجتماعی به آن وابسته است در معرض خطرات و تهدیدهای گوناگونی است که عدم حفظ و حراست آن از این خطرات سبب تزلزل و حتی انحلال آن خواهد شد. حفظ استحکام پیوند زناشویی تحت تأثیر عوامل متعدد و متنوعی است که چنانچه این عوامل نادیده گرفته شود رضایت‌مندی کامل از زندگی برای زوجین حاصل نخواهد شد (صدیقه و مهدوی‌پور، ۱۳۸۷). دین استوارترین ستون حیات مادی و معنوی و امنیت روانی آدمی است که به او عزت و شرافت می‌بخشد و نور ایمان و اخلاص را در جانش بر می‌افروزد و او را از زنجیرهای اسارت‌های نابخردانه آزاد می‌سازد. دین‌داری نهادی کردن تعالیم و ارزش‌های دینی است در همه ابعاد حیات آدمی که ثمرات بی‌شماری دارد و در لباس یقین، صبر و تسلیم و رضا، امانت‌داری، راستی و حیا و پاک‌دامنی، وفاداری، پارسایی، انفاق و احسان، رحم و عطف، مدارا و مهربانی، اطاعت و عبادت، جهاد و تلاش ... جلوه می‌کند، اما پیوسته عواملی به صورت پیدا و پنهان، دین‌داری را تهدید می‌کند. این عوامل به صورت آفت‌ها، آسیب‌ها و موانع باز دارنده، فرا راه اندیشه دینی و گرایش او به دین قرار می‌گیرد و زمینه دین‌گریزی و دین‌ستیزی فراهم می‌آید. نگرش دین می‌تواند در ارتباط زناشویی موثر باشد، زیرا دین شامل رهنمودهایی برای زندگی و ارائه دهنده سامانه باورها و ارزش‌ها است که این ویژگی‌ها می‌توانند زندگی زناشویی را متاثر سازند (هانلر و گنچوز، ۲۰۰۵). از سوی دیگر نگرش‌های افراد خانواده در مورد دین، استمرار و انتقال ارزش‌ها و رفتارهای دینی به نسل‌های دیگر را شکل دهد. از این رو رابطه میزان تدین و خانواده را می‌توان یک رابطه اثرگذاری و اثرپذیری در نظر گرفت. این که افراد موضوعی مانند ازدواج به منزله مسئولیتی برای تمام عمر، مهرورزی به یکدیگر، فراهم آوردن اسباب آرامش همدیگر و وفاداری و تعهد به همسر را، چگونه بر مبنای دین تفسیر می‌نمایند، تأثیرپذیری روابط زناشویی از دین‌داری را نشان می‌دهد (ماهونی، ۲۰۰۵). تحقیقاتی که پیرامون سنجش دین‌داری کارکنان بوده است نیز بالا بودن سطح دین‌داری آنان را نشان داده است. البته تحقیقاتی که درباره نوع دین‌داری کارکنان هست، بیانگر نوع دین‌داری متنوع و گوناگون می‌باشد. به عبارتی ما با انواع دین‌داری در میان قشر فرهیخته و نخبه کشور روبرو هستیم. افرادی که با تحقیق دنبال چرایی دین خود می‌باشند و سعی دارند با تحقیق، به حقیقت دین خود پی ببرند ولی در مقابل افراد زیادی هم هستند که به طور کورکورانه فقط پیرو ادیان اجداد خود بوده و همان دین را به نوعی به ارث می‌برند. به غیر این موارد که تدین تحقیقی و سنتی نامیده می‌شود بعضی افراد هم هستند که به مسائل دینی بی‌تفاوتند یا حتی دین‌گریز هستند. با توجه به موارد اشاره شده لزوم تحقیقی در مورد انواع تدین و رابطه آن با سازگاری

زناشویی کاملاً احساس می‌شود و این تحقیق در پی پاسخ به این سؤال هست که آیا بین تدین و سازگاری زناشویی کارمندان سازمان تأمین اجتماعی شهر تبریز رابطه وجود دارد؟

### فرضیه‌ها

- بین میزان انواع تدین و سازگاری زناشویی در بین کارمندان سازمان تأمین اجتماعی شهر تبریز رابطه وجود دارد.
- بین دین‌داری در انواع تدین با سازگاری زناشویی در بین کارمندان سازمان تأمین اجتماعی شهر تبریز رابطه وجود دارد.

### تعریف متغیرها

#### سازگاری زناشویی

هالت<sup>۱</sup> سازگاری زناشویی را به صورت زیر تعریف می‌کند: عوامل پیچیده‌ای که هم‌چون میزان تعارض و سهیم شدن در فعالیت‌ها که با خوشحالی و موفقیت زندگی زناشویی همراه می‌باشد و یا این که آن را به عنوان ظرفیت سازگاری انطباق توانایی حل مسئله تعریف می‌کند. در تعریف سازگاری زناشویی اتفاق نظر کلی وجود ندارد و علت این عدم توافق عوامل اجتماعی، روان‌شناختی، شخصی و جمعیت‌شناسی مختلفی است که با سازگاری زناشویی ارتباط دارند (گریف و بروین<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰: ۳۲۵).

- رضایت زناشویی نمره‌ای است که پاسخ دهندگان در پرسشنامه استاندارد زوجی اینریچ کسب می‌نمایند.

دین‌داری: دین‌داری مجموعه اقدامات، رفتارها، باورها و نگرش‌هایی است که در ارتباط با اصول دین، فروع دین و دیگر حیطه‌های مرتبط با مذهب عنوان می‌شود (دورکیم، ۱۳۸۳: ۱۰۱).

- انواع تدین تحقیقی، تقلیدی (سنتی)، دین جویان (تردید)، بی‌تفاوت‌ها، دین‌گريزان، دین‌ستیزان و نمره‌ای است که پاسخ دهندگان در پرسشنامه محقق ساخته کسب می‌نمایند.

#### سازگاری زناشویی

خانواده، نخستین محل تربیت و آموزش کودکان است. در خانواده، فرزندان می‌توانند آموزش‌های لازم را از برخوردها و رفتارهای پدر و مادر در برابر یکدیگر و در مقابل خودشان، برای احراز موقعیت همسری در آینده بیاموزند. به همین دلیل، زن و شوهر در روابط و مسائل مختلف زندگی خود باید حضور فرزندان

1. Halt

2. Greef & Bruyne

را در نظر بگیرند. چگونگی روابط آن‌ها، الگویی برای روابط بین دو جنس مخالف به کودکان ارائه می‌دهد. کودک از آنان وجوه متفاوت ابراز عواطف، ارتباط با شریک زندگی در حال تنیدگی یا در زمان تعارض را می‌آموزد، زیرا فرزندان به طور معمول نزدیک‌ترین روابط را با خانواده دارند و مهم‌ترین عامل رشد شناختی، عاطفی و رفتاری آن‌ها، خانواده است. کودکانی که انجام مسئولیت‌ها و وظایف همسری در خانواده آن‌ها معمول باشد، در بزرگسالی برای پذیرش نقش‌های همسری آمادگی بیشتری دارند. این افراد در برخورد با مشکلات ناشی از زندگی مشترک، حساب شده و عقلانی رفتار خواهند کرد و از ایفای نقش‌های مورد انتظار سرباز نمی‌زنند. همچنین فراگیری دانش‌ها، مهارت‌های جنسی، آشنایی با تفاوت‌های جنسی میان زن و شوهر و آگاهی از نیازمندی‌های پدر و مادر شدن و داشتن درک درست از الزامات و مسائل زندگی مشترک، نقش مهمی بر هماهنگی و انسجام دایمی خانواده دارد. یکی از بنیانی‌ترین و ریشه‌دارترین مبانی تحیکم خانواده این است که بینش زن و مرد به خانواده، توحیدی و ایمانی باشد. به عقیده‌ی روان‌شناسان، رفتارهای آدمی ناشی از نگرش‌های اوست. رابطه نگرش و رفتار در قصص قرآنی نیز به روشنی دیده می‌شود. نگرش ایمانی - مستقیم یا غیر مستقیم و از طریق حالات روان‌شناختی فرد، بر رفتارش موثر واقع می‌شود (آذربایجانی، ۱۳۸۲: ۸۷). با استفاده از همین نگرش‌ها، به ازدواج و حفظ خانواده نگرش‌های ویژه‌ای می‌یابیم. یکی از مهم‌ترین عوامل پایداری زندگی زناشویی، همسانی زن و مرد در ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی است. در انتخاب همسر، توجه به اصل همانندی زن و شوهر، که در متون اسلامی تحت عنوان «کفویت» مطرح شده است و در متون جامعه‌شناسی به آن همسان همسری می‌گویند، بسیار مورد توجه قرار گرفته است. کفویت و همسانی در امور مختلفی می‌باشد، از جمله همتایی ایمانی، فکری و فرهنگی، همتایی در تحصیلات و علم، تناسب سنی، مالی و اجتماعی. مهم این است که مفهوم کفو، نسبی است، بدین معنا که دارای مراتب متعدد است؛ مثلاً ممکن است فردی در مقایسه با همسرش در جنبه‌هایی بالاتر باشد، در حالی که همسرش در جنبه‌های دیگری از او برتر می‌باشد.

### نظریه‌های سازگاری زناشویی

#### اسکانزونی<sup>۱</sup>

اسکانزونی (۱۹۷۲)، از جمله نظریه‌پردازانی است که در مکتب تضاد در زمینه کشمکش و تعارض بین همسران و به تبع آن انحلال در رابطه کار کرده است. اسکانزونی همچنین این بحث را (۱۹۰۴)، را که تعارض ممکن است باعث یگانگی و همبستگی باشد را قبول کرده است. او از دو نوع تعارض (کشمکش) صحبت می‌کند: ۱. کشمکش و تعارض اصلی در قوانین بازی و ۲. کشمکشی که اساسی و بنیادی نیست و دلیلش ناشی از خستگی از قوانین بازی است. اسکانزونی سپس مطابق این دو نوع تعارض نقش‌های

<sup>۱</sup> Askanzuny

اصلی خانواده را به عنوان یک بازی بین زوج‌ها شرح می‌دهد (کلاین و وایت، ۲۰۰۲: ۳۸). اسکانزونی به نقش‌ها و هنجارهای خانواده به عنوان حاکم بودن یک مبادله بین وظایف موثر و سودمند شوهر به منظور بیان حقوق و هم‌چنین وظایف بیانی زن برای رسیدن به حقوق موثر و سودمند توجه می‌کند. به شکل متقابل و دوسویه‌ای حقوق شوهر وظیفه زن است و حقوق زن وظیفه شوهر است. به عقیده اسکانزونی مطابق تقسیم نقش سنتی در خانواده شوهر وظایف مفید و سودمندی به عنوان یک نان‌آور در خانواده دارد و زن وظایف زبانی و بیانی مثل کاستن از تنش و استرس از خانواده مراقبت از بچه‌ها و سرویس‌دهی رابطه جنسی خوب برای همسر را داراست. زن حق دارد که از شوهر خود انتظار داشته باشد که نیازهای مادی خانواده را فراهم کند و شوهر نیز حق دارد که از همسر خود انتظار برآورده شدن نیازهای عاطفی و جنسی را داشته باشد. مطابق با دو نوع مدل تعارض و کشمکش اسکانزونی کشمکش غیر بنیادی ممکن است بر سر تربیت بچه‌ها، مسائل اقتصادی و ... اتفاق بیفتند؛ اما چنین تعارض و کشمکشی بین همسران تغییری در نقش‌های اصلی سنتی آن‌ها ایجاد نمی‌کند. به علاوه اسکانزونی به تبعیت از زیمل معتقد است این تعارض غیر بنیادی ممکن است در خانواده میزان ثبات و پایداری ازدواج و استحکام خانواده را بالا برده و باعث ایجاد رشد و تغییرات مناسب شود؛ اما تعارضات بنیادی بین همسران نقش‌های اصلی آن‌ها را به چالش می‌کشد. به عقیده اسکانزونی اگر یکی از همسران در بر آوردن انتظارات طرف مقابل و انجام وظایف خود کوتاهی و قصور کند مثل کوتاهی در فراهم کردن نیازهای مادی زندگی از طرف شوهر یا نیازهای جنسی از طرف زن آغاز ایجاد احساسات نابرابری در ازدواج است؛ اما منابع خارج از حیطه خانواده مثل افزایش منابع در دسترس زنان چون بالا رفتن تحصیلات و یافتن شغل زنان درصدد بر خواهند آمد تا نقش‌های اصلی و بنیادی خود را مورد تجدیدنظر قرار دهند. به عقیده اسکانزونی تغییر در نقش‌های اساسی همسران دلیل ایجاد تعارض و کشمکش در خانواده است، چرا که میزان قدرت در خانواده را نیز جابجا می‌کند (کلاین و وایت، ۲۰۰۲: ۳۹).

### بات<sup>۱</sup>

بات به روابط اجتماعی خانواده توجه کرد و مشخص کرد روابط اجتماعی کلیه خانواده‌ها با جامعه حالت شبکه دارد یعنی هر خانواده با تعدادی از افراد جامعه در تماس است، اما شبکه روابط بعضی از خانواده‌ها شبکه متصل است یعنی افرادی که خانواده با آن‌ها معاشرت دارند با یکدیگر نیز معاشر دوست و آشنا هستند و شبکه روابط بعضی دیگر از خانواده‌ها شبکه پراکنده است. وی چنین نتیجه گرفت که چگونگی تقسیم نقش‌های خانوادگی به نوع شبکه اجتماعی خانواده بستگی دارد. خانواده‌هایی که تقسیم نقش آن‌ها سنتی است شبکه روابط اجتماعی آن‌ها متصل است. یعنی دوستان آشنایان و همسایگان این

<sup>۱</sup> Bott

خانواده یکدیگر را می‌شناسند و بدون ارتباط با خانواده مورد نظر با یکدیگر روابط اجتماعی دارند؛ اما زن و شوهری که به صورت مشارکتی با یکدیگر زندگی می‌کنند دارای شبکه اجتماعی پراکنده هستند یعنی دوستان و آشنایان آن‌ها یکدیگر را چندان نمی‌شناسند. وی این فرضیه را مطرح کرد که درجه جدایی مربوط به نقش‌های زن و شوهر مستقیماً به تبعیت از اندازه متصلانه بودن شبکه اجتماعی خانواده تفاوت می‌کند. در صورتی که زن و شوهر هر یک به شبکه متراکم تعلق داشته باشند و پس از ازدواج نیز این شبکه‌ها حفظ گردند ازدواج آن دو به این روابط اضافه می‌شود؛ و زوجها به طرف فعالیت‌ها و افراد بیرون از منزل کشیده می‌شوند زیرا هر یک از زوجها تعداد کافی آشنایان و دوستانی دارند که می‌توانند در خارج از خانواده به آن‌ها کمک کنند(همان).

### بک گرنسهایم<sup>۱</sup>

او با اشاره به نظریه‌های کارکردگرایان که در آن تقسیم نقش میان زن و مرد به صورت مرد شاغل زن خانه‌دار است می‌گوید در الگوی ایده‌آل خانواده کارکردگرایان کلیه اعضا خانواده حداقل توقع را از پدر- شوهر دارند و سعی در فراهم کردن آسایش و رفاه و به نوعی محافظت او در برابر مشکلات جهان خارج دارند تا پدر- شوهر از مشکلات اجتماعی فارغ گشته و در محیط خانواده امکان شکوفایی و ثبات شخصیت خود را به دست آورد. از دید گرنسهایم این ترکیب اصلاً خانواده نیست بلکه نوع خاصی از زندگی مجردی است. این مدل زندگی مرد مجردی است که زن و فرزند هم دارد. تمام کوشش زن خانه‌دار صرف دور نگه داشتن شوهر از مشکلات و ناراحتی‌های روزمره خانوادگی می‌شود در عین حال سعی می‌کند مشکلات شغلی شوهرش را نیز بشناسد و خودش را با آن‌ها وفق دهد. گرنسهایم این سوال را مطرح می‌کند که آیا واقعاً این نوع خانواده قسمتی از زندگی جمعی انسان است یا پدیده‌ای جدید است که برای ارائه خدمات به مرد به وجود آمده است. او معتقد است که پدیده زن خانه‌دار- مادر اختراع قرن بیستم است که قدمتی کمی بیشتر از ۱۵۰ سال دارد(اعزازی، ۱۳۷۶: ۸۴).

### دووال و هیل<sup>۲</sup>

نظریه دووال و هیل دیدگاه چرخه زندگی خانوادگی نام دارد. بر طبق این دیدگاه روابط خانوادگی به مرور زمان پیچیده‌تر می‌شوند و این در حالی است که خانواده‌ها نیازها و تمایلات مختلفی در مراحل مختلف چرخه زندگی دارند. در سال‌های اولیه (قبل از پدر و مادر شدن) شادی بالایی وجود دارد، که در اواسط سال‌های ازدواج (سال‌های پدر و مادر شدن) این امر کاهش می‌یابد و در سال‌های آخر (پس از پدر و مادر شدن) باز افزایش می‌یابد. داشتن بچه به کاهش میزان رضایت‌مندی زناشویی در سال‌های

<sup>۱</sup> Beck-Gernsheim

<sup>۲</sup> Duvall & Hill

اولیه منجر می‌شود، در حالی که وقتی بار کار سخت کاهش یابد و مسئولیت‌های والدینی کمتر شوند این دو باعث افزایش رضایت‌مندی زناشویی در سال‌های پایانی ازدواج می‌شوند (پلگ، ۲۰۰۸: ۱۱).

### شلسکی<sup>۱</sup>

هلموت شلسکی نیز یکی دیگر از جامعه‌شناسانی است که در مورد خانواده بحث کرده است. وی نظریه خود را در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم تحت تأثیر شرایط اجتماعی-اقتصادی خاص دوران پس از جنگ مطرح کرد. وی خانواده را به عنوان یک نهاد اجتماعی و به منزله تنها باقیمانده ثبات اجتماعی معرفی می‌کند. نظریه شلسکی در مورد خانواده به نوعی مطرح‌کننده‌گریز از جامعه و رو آوردن به خانواده است. نظریه او هر نوع پیوند میان خانواده و حوزه‌های مختلف اجتماعی را حتی مانند مدرسه بی‌ارزش می‌شمارد، هر چند که در واقعیت در اثر وجود چنین پیوندهایی میان افراد تشکل اجتماعی صورت می‌گیرد، اما شلسکی اعتقاد دارد که در جامعه تنها ابرساخت‌های دیوان‌سالاری در حوزه زندگی جمعی موثر هستند و افراد دارای هیچ‌گونه نقشی نیستند؛ بنابراین انسان عامل فعال تاریخ نبوده است (اعزازی، ۱۳۷۶: ۵۵). شلسکی معتقد است که جامعه خانواده را استثمار می‌کند و حتی برخی از فعالیت‌ها را که در جهت از میان بردن سلطه و نابرابری در خانواده صورت گرفته را عاملی مخل می‌داند. زیرا معتقد است که مشکلات زناشویی که قبلاً به نظر زن‌ها طبیعی جلوه می‌کرد امروزه زنان را به این فکر انداخته که آیا ازدواج آن‌ها نمی‌تواند شکلی غیر از آن چه که امروز دارد داشته باشد. نتایج چنین بررسی‌هایی بیشتر در بر هم زدن نظم و ثبات خانواده نقش دارند و این خلاف دید شلسکی است که معتقد است هر چند که در درون خانواده احتمال ظلم و ستم وجود دارد، اما کلیه مساعی باید صرف ثبات این نهاد گردد (اعزازی، ۱۳۷۶: ۵۶).

### کالینز<sup>۲</sup>

کالینز تعارض و تضاد خانوادگی را مجموعه‌ای از دعوا، کشمکش، ستیز و احساس نارضایتی می‌داند که در حد شدید آن به خشونت خانوادگی منجر می‌شود. او چندین منبع را برای تعارض خانوادگی در نظر می‌گیرد: دگرگونی قدرت در روابط، موقعیت‌های استرس‌زا و نقش‌های سلطه‌آمیز. به عقیده کالینز اشخاصی که خود را صاحب قدرت می‌دانند این اجازه را به خود می‌دهند تا دیگران را که فاقد قدرت هستند، تحت کنترل خود در آورند و اشخاص فاقد قدرت اگر در زمینه جایگاه‌شان آگاهی نداشته باشند به صورت منفعل رفتار می‌کنند. به عقیده کالینز مردان در خانواده بیشترین منابع قدرت را در اختیار دارند و

<sup>1</sup> Shelskey

<sup>2</sup> Collins



امروزه زنان حرکت کردند تا این نابرابری قدرت در خانواده را تغییر دهند و این دلیل مهمی برای ایجاد تعارض در خانواده می‌شود. بالا رفتن سطح تحصیلات زنان و دستیابی آنان به شغل از عوامل مهمی است که زنان را در مسیر ایجاد تعادل قدرت در روابط می‌اندازد. کالینز معتقد است زمانی که بیشترین منابع قدرت در دست مردان است تعارض در خانواده کمتر شده چرا که زنان هم موقعیت منفعل‌شان را می‌پذیرند؛ اما همین که منابع قدرت در دست زنان افزایش پیدا می‌کند تعارضات هم بالا می‌رود، چرا که زنان رفتار مردان را به چالش می‌کشند (ریترز، ۱۳۷۴: ۱۶۰).

### کونیگ<sup>۱</sup>

کونیگ معتقد است که بر طبق جامعه‌شناسی کلان و جامعه‌شناسی خرد دو نوع بررسی از پدیده خانواده ضروری است. اول نگرش به خانواده در ارتباط با کل جامعه با در نظر گرفتن مناسبات کلی جامعه و هم‌چنین بررسی رابطه نظام خانواده با پاره نظام‌های دیگر. دوم نگرش به خانواده به عنوان نظامی خاص؛ یعنی گروه کوچک با ساختار و کارکرد خاص خود. در این دیدگاه خانواده به عنوان یک گروه کوچک اجتماعی بررسی شود. این گروه اجتماعی ویژگی‌های خاصی دارد که متفاوت از سایر گروه‌ها است. کونیگ از خانواده به عنوان گروهی خاص نام می‌برد که اعضای آن با احساسات شدید با یکدیگر در ارتباط هستند. به این ترتیب وی بر مهم‌ترین خصلت گروه خانواده؛ یعنی رویارویی روابط و صمیمیت تاکید می‌کند. از نظر کونیگ صمیمیت مشخصه اساسی و غیر قابل تفکیک خانواده است و همین صفت آن را از سایر گروه‌های اجتماعی متمایز می‌سازد (اعزازی، ۱۳۷۶: ۸۵).

### نای<sup>۲</sup>

مطابق اصول اساسی این نظریه انسان‌ها همواره در زندگی خود با دیگران در ارتباط متقابل هستند و سعی می‌کنند که در این ارتباط برای خود نفعی به دست آورند. هر گونه ارتباط با دیگران در حکم نوعی مبادله است. طبق اصل عدالت تعامل زمانی حفظ می‌شود که رابطه پاداش‌ها و هزینه‌های طرفین برابر باشد. در واقع فرد آن چه را که برای یک رابطه هزینه می‌کند و آن چه را که از آن به دست می‌آورد با یکدیگر مقایسه می‌کند. بدین ترتیب از دیدگاه این نظریه روابط بین زن و شوهر هم یک نوع مبادله محسوب می‌شود که از ابتدای زندگی شروع می‌شود. اگر حقوق متقابل آن‌ها را به عنوان پاداش و هزینه تلقی کنیم زندگی آن‌ها بر مدار مبادله متقابل جریان می‌یابد. از طرف دیگر عدم برابری هزینه و پاداش برای زوجین به احساس بی‌عدالتی و نابرابری در مبادله منجر می‌گردد و در نهایت به گسست روابط متقابل زوجین منجر می‌شود. برای مثال زمانی که هر یک از زوجین هزینه‌های یک رابطه را بیشتر از

<sup>1</sup> Kunig

<sup>2</sup> Nye

منافع آن ارزیابی نماید این نظریه پیش‌بینی می‌کند که این شخص به رابطه مذکور خاتمه خواهد دارد (ریاحی، ۱۳۸۶: ۴۵).

### پیشینه تجربی

خدایاری فرد و همکاران (۱۳۸۶)، در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که بین باورهای مذهبی و استحکام پیوند زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. مذهب، راهنمایی‌های کلی در اختیار بشر قرار می‌دهد که اگر انسان‌ها به آن عمل نمایند، منجر به استحکام پیوند زناشویی می‌گردد. این راهنمایی شامل قوانینی در مورد روابط جنسی، نقش جنسی، از خود گذشتگی و حل تعارضات در روابط زناشویی می‌باشد.

غباری بناب (۱۳۸۰)، در پژوهش خود نشان داد که انجام اعمال دینی بیش از دیگر متغیرهای مورد بررسی سازگاری زناشویی را پیش‌بینی می‌کند.

موسوی (۱۳۷۴)، نشان داد که اعتقادات دینی بر استحکام و رضامندی زناشویی اثر مثبت دارد بدین معنی که هماهنگی افراد از نظر دینی در رضایت زناشویی موثر است.

اورتینکال و ونستیوگن<sup>۱</sup> (۲۰۰۶)، در مقایسه زوج‌هایی که فقط یک بار ازدواج کردند با زوج‌هایی که چندین بار ازدواج کردند به این نتیجه رسیدند که مذهبی بودن همبستگی مثبت با رضایت زناشویی دارد. هانلرو گنچوز<sup>۲</sup> (۲۰۰۵)، در مطالعه‌ای که روی زوجین ترکیه‌ای انجام دادند پس از کنترل متغیرهایی مانند سطح تحصیلات و مدت زمانی که از زندگی زناشویی آن‌ها می‌گذشت، به این نتیجه رسیدند که مذهبی بودن تأثیر عمده‌ای بر رضایت زناشویی دارد، اما مذهبی بودن زوجین نمی‌تواند حل مسئله زناشویی را در زوجین افزایش دهد.

سولیوان<sup>۳</sup> (۲۰۰۱)، نشان داده است که افرادی که در سطح بالاتری از مذهبی بودن قرار دارند نسبت به افراد دارای سطح مذهبی پایین‌تر، ثبات زناشویی بیشتری دارند و از ازدواج خود راضی‌تر به نظر می‌رسند.

کال و هیتون (۱۹۹۷)، با انجام مطالعه‌ای بر روی ۴۵۸۷ زن و شوهر به این نتیجه رسیدند که از میان ابعاد مختلف دین‌داری، حضور در کلیسا بیشترین رابطه را با ثبات زناشویی دارد و اختلاف بین زوجین در مورد حضور در کلیسا، خطر جدایی را افزایش می‌دهد. این مطالعه هم‌چنین نشان داد زوجینی که به طور منظم با هم به کلیسا می‌روند، کمترین خطر را برای طلاق دارند.

1. Orathinkal & Vansteewegen

2. Hunler & Genc

3. Sullivan

ماهونی و همکاران (۱۹۹۹)، نشان دادند که جنبه‌های گوناگون عملکرد زناشویی شامل رضایت زناشویی، تعداد برخوردها و خشونت فیزیکی با فعالیت‌ها و اعتقادات مذهبی در ارتباط است، به این صورت که زوج‌های دارای اعتقادات مذهبی بالاتر، رضایت زناشویی بیشتری داشته و برخوردها و خشونت‌های آنان نسبت به هم کمتر است. به همین دلیل، درک ارزش‌های دینی درباره ازدواج برای سلامت رابطه زوجین اهمیت زیادی دارد.

مطالعات کاسکو و همکاران (۱۹۹۶)، نشان داد که بالاترین استحکام زناشویی در بین زوجینی بود که در زمینه فلسفه زندگی، تصورات آن‌ها از روابط جنسی، میزان وقتی که با هم می‌گذرانند و چگونگی گذراندن اوقات فراقت با هم همگن بودند.

تحقیقات (الیسن، ۱۹۹۴؛ آدلر و کامل، ۱۹۹۵؛ به نقل از خدا مختاری، ۱۳۸۰)، نشان داده است که مذهبی بودن به معنای وسیع کلمه می‌تواند آثار بحران‌های شدید زندگی را تعدیل کند و همچنین ارتباط مثبتی بین مذهب و سلامت روان وجود دارد. بنابراین اعتقادات معنوی یک موضوع جالب برای مبارزه با مشکلات و بیماری‌های مختلف می‌باشد.

در تحقیق دیگری، آنتونی (۱۹۹۳)، در مطالعه ارتباط بین سازگاری زناشویی و بلوغ دینی ۴۰۰ زوج از فرقه دین پروتستان را بررسی کرد. یافته‌ها متکی بر گزارش زنان و شوهران‌شان بود. آن‌هایی که بالاترین نمره را در رضایت‌مندی زناشویی داشتند از جهت‌گیری دینی درونی برخوردار بودند. محققان فرض کرده‌اند که برای برخی زوج‌ها معنویت و رضایت روی هم تأثیر می‌گذارند که نتیجه آن افزایش از خودگذشتگی و نودوستی می‌باشد. آن‌هایی که پایین‌ترین نمره را در رضایت زناشویی داشته‌اند جهت‌گیری دینی‌شان بیرونی بود (گلین، ۱۹۹۴).

مارگارت، دادلی، فردریش، و کونینسکی (۱۹۹۰)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که تجانس مذهبی با همسر، عبادت و حضور در کلیسا (متغیرهای دین‌داری) مهم‌ترین پیش‌بینی کننده رضایت زناشویی فرد می‌باشند.

گلین و پوز (۱۹۸۸)، همچنین اسپروسکی و هاگستون (۱۹۷۸)، نشان داده‌اند افرادی که برای مدت طولانی باهم زندگی می‌کنند دین را به عنوان مهم‌ترین عامل رضایت‌مندی در ازدواج تلقی می‌کنند. گرانر (۱۹۸۵)، در تحقیق خود به بررسی اثر اعمال عبادی شخص بر سازگاری زناشویی زوجین پرداخت و به این نتیجه دست یافته که ارتباط مثبتی بین انجام اعمال دینی بر سازگاری زناشویی در تمام گروه‌های دینی وجود دارد.

## روش تحقیق و ابزار گرد آوری داده‌ها

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش جمع‌آوری داده‌ها، پیمایش از نوع همبستگی می‌باشد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه سازگاری زناشویی گراهام بی اسپانیر (DAS) توسط اسپنیر در سال ۱۹۷۶ منظور سنجش سازگاری بین زن و شوهرها و یا هر دو نفری که باهم زندگی می‌کنند تنظیم شده است. این مقیاس یک ابزار ۳۲ ماده‌ای برای ارزیابی کیفیت رابطه زناشویی می‌باشد. تحلیل عاملی نشان داده است که این مقیاس چهار بعد رضایت دو نفری، همبستگی دو نفری، توافق دو نفری و ابراز محبت را مورد سنجش قرار می‌دهد. نمره کل مجموع تمام سوالات بین ۰ تا ۱۵۱ است که نمرات بالاتر نشان دهنده رابطه بهتر است. همسانی درونی کلی این آزمون با کاربرد روش آلفای کرونباخ ۰/۹۶ گزارش شده است (ثنایی، ۱۳۷۹). این ابزار در موارد متعدد در پژوهش‌های داخلی مورد استفاده قرار گرفت. اسماعیلی (۱۳۷۴)، ضریب پایایی آن را ۰/۹۲ و فتحی آشتیانی و احمدی (۱۳۸۳)، ضریب پایایی آن را ۰/۹۴ گزارش نمودند. پرسشنامه مورد استفاده، پس از آماده‌سازی، توسط استادان راهنما و مشاور بررسی گردید و اصلاحات لازم در آن اعمال گردید. برای سنجش پایایی پرسشنامه از مقیاس آلفای کرونباخ استفاده شد:

جدول شماره (۱): آلفای کرونباخ

مقدار آلفا	پرسشنامه
۰/۶۳	سازگاری زناشویی
۰/۷۱	تدین

## جامعه آماری

جامعه آماری کلیه کارکنان متأهل سازمان تأمین اجتماعی شهر تبریز می‌باشد که بر طبق آمار اعلامی اداره مربوطه ۴۵۰ نفر بودند. از میان ۴۵۰ نفر کارکنان متأهل سازمان تأمین اجتماعی تبریز با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۲۰۷ نفر تعیین شد که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند.

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} (\frac{z^2 pq}{d^2} - 1)} = \frac{\frac{(1.96)^2 (0.5)(0.5)}{(0.05)^2}}{1 + \frac{1}{450} (\frac{(1.96)^2 (0.5)(0.5)}{(0.05)^2} - 1)} \sim 207$$

بررسی توصیفی نمونه

جدول شماره (۲): آماره‌های توصیفی

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	حد اقل نمره حاصل	حداکثر نمره حاصل	حد اقل ممکن	حداکثر ممکن
سنتی	۲۰۷	۱۵/۴۷	۵/۵۸	۵	۲۵	۵	۲۵
تحقیقی	۲۰۷	۱۳/۷۰	۵/۱۶	۵	۲۵	۵	۲۵
دین جویان	۲۰۷	۱۴/۴۳	۵/۴۷	۵	۲۵	۵	۲۵
دین‌گريزان	۲۰۷	۷/۰۸	۳/۶۰	۵	۲۳	۵	۲۵
بی تفاوت‌ها	۲۰۷	۵/۰۵	۱/۳۷	۴	۲۵	۴	۲۰
دین‌ستیزان	۲۰۷	۴/۰۲	۱/۲۳	۳	۲۵	۳	۱۵
میزان تدین	۲۰۷	۹/۹۵	۱/۸۷	۱/۸۷	۱۶/۰۰	-	-
سازگاری زناشویی	۲۰۷	۹۸/۴۷	۲۲/۲۰	۵۷/۰۰	۱۴۲/۰۰	۰	۱۵۱

با توجه به جدول از انواع تدین زیر مؤلفه نوع سنتی دارای میانگین ۱۵.۴۷ با انحراف معیار ۵.۸۵۸ متغیر تحقیقی دارای میانگین ۱۳.۷۰ با انحراف معیار ۵.۱۶۰ و متغیر دین‌جویان دارای میانگین ۱۴.۴۳ با انحراف معیار ۵.۴۷ متغیر دین‌گريزان دارای میانگین ۷.۰۸ با انحراف معیار ۳.۶۰ متغیر بی تفاوت‌ها دارای میانگین ۵.۰۵ با انحراف معیار ۱.۴۷ و متغیر دین‌ستیزان دارای میانگین ۴.۰۲ با انحراف معیار ۱.۲۳ می‌باشد. متغیر میزان تدین که از میانگین انواع تدین به دست آمد دارای میانگین ۹.۹۵ با انحراف معیار ۱.۸۷ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت میزان دین‌داری بین کارمندان متأهل سازمان تأمین اجتماعی در حد متوسط می‌باشد. هم چنین میانگین نمره سازگاری زناشویی در بین کارمندان متأهل سازمان تأمین اجتماعی تبریز ۹۸.۵۳ با انحراف معیار ۲۲.۲۰ به دست آمد.

توزیع فراوانی نمونه آماری بر حسب جنسیت

با توجه به یافته‌ها ۳۳.۳ درصد (۶۹ نفر) از کارمندان انتخابی زن و ۱۳۹ درصد (۶۶.۷ نفر) مرد می‌باشند.

توزیع فراوانی نمونه آماری بر حسب گروه سنی

با توجه به یافته‌ها ۱۱.۶ درصد (۲۴ نفر) از کارمندان انتخابی دارای گروه سنی ۱۸ تا ۲۸ سال، ۵۲.۲ درصد (۱۰۸ نفر) از کارمندان انتخابی دارای گروه سنی ۲۹ تا ۳۹ سال، ۲۷.۵ درصد (۵۷ نفر) از کارمندان انتخابی دارای گروه سنی ۴۰ تا ۵۰ سال و ۸.۷ درصد (۱۸ نفر) از کارمندان انتخابی بیشتر از ۵۱ سال سن دارند.

**توزیع فراوانی نمونه آماری بر حسب تحصیلات**

با توجه به یافته‌ها ۶.۸ درصد (۱۴ نفر) از کارمندان انتخابی دارای تحصیلات زیر دیپلم و دیپلم، ۸۵ درصد (۱۷۶ نفر) از کارمندان انتخابی دارای تحصیلات فوق‌دیپلم و لیسانس، ۸.۲ درصد (۱۷ نفر) از کارمندان انتخابی دارای تحصیلات فوق‌لیسانس و دکترا می‌باشند.

**آزمون نرمال بودن**

همان‌طور که در جدول ملاحظه می‌گردد سطح معنی‌داری در هر کدام از متغیرها محاسبه گردیده که همگی کمتر از ۰/۰۵ می‌باشند. بنابراین با اطمینان ۰/۹۵ درصد می‌توان گفت این متغیرها دارای توزیع نرمال نیستند و بنابراین برای بررسی فرضیه‌های از روش‌های ناپارامتریک استفاده می‌کنیم.

**جدول شماره (۳): آزمون کولموگروف-اسمیرنوف**

متغیر	تعداد	انحراف معیار	میانگین	آماره آزمون	سطح معنی‌داری
سستی	۲۰۷	۵/۵۸	۱۵/۴۷	۰/۱۰۱	۰.۰۰۰۰ <sup>c</sup>
تحقیقی	۲۰۷	۵/۱۶	۱۳/۷۰	۰/۰۷۷	۰.۰۰۰۴ <sup>c</sup>
دین‌جویان	۲۰۷	۵/۴۷	۱۴/۴۳	۰/۱۰۶	۰.۰۰۰۰ <sup>c</sup>
دین‌گريزان	۲۰۷	۳/۶۰	۷/۰۸	۰/۴۰۹	۰.۰۰۰۰ <sup>c</sup>
بی‌تفاوت‌ها	۲۰۷	۱/۳۷	۵/۰۵	۰/۳۰۹	۰.۰۰۰۰ <sup>c</sup>
دین‌ستیزان	۲۰۷	۱/۲۳	۴/۰۲	۰/۳۲۸	۰.۰۰۰۰ <sup>c</sup>
سازگاری زناشویی	۲۰۷	۲۲/۲۰	۹۸/۵۳	۰/۱۰۹	۰.۰۰۰۰ <sup>c</sup>

**یافته‌ها**

- بین میزان تدین با سازگاری زناشویی در بین کارمندان سازمان تأمین اجتماعی شهر تبریز رابطه وجود دارد.

برای آزمودن فرضیه فوق از ضریب همبستگی اسپیرمن که برای داده‌های با توزیع غیر نرمال مناسب است، استفاده گردید:

**جدول شماره (۴): آزمون همبستگی بین میزان تدین و سازگاری زناشویی**

میزان تدین	ضریب همبستگی	سازگاری زناشویی
۰.۵۱۴	سطح معنی‌داری	تعداد
۰.۰۰۰	۲۰۷	

با توجه به نتایج ضریب همبستگی بین میزان تدین با سازگاری زناشویی ۰/۵۱۴ محاسبه گردیده و سطح معنی‌داری آن کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین رابطه خطی متوسطی بین میزان تدین با سازگاری زناشویی در بین کارمندان سازمان تأمین اجتماعی شهر تبریز وجود دارد.

- بین انواع تدین با سازگاری زناشویی در بین کارمندان سازمان تأمین اجتماعی شهر تبریز رابطه وجود دارد.

برای آزمون فرضیه از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد:

جدول شماره (۵): آزمون همبستگی بین نوع تدین و سازگاری زناشویی

سنتی	تحقیقی	دین جویان	دین‌گریزان	بی تفاوت‌ها	دین‌ستیزان
۰/۲۴۲	۰/۴۳۳	۰/۴۲۳	۰/۰۴۷	-۰/۱۹۱	-۰/۱۹۲
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۵۱	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶
۲۰۷	۲۰۷	۲۰۷	۲۰۷	۲۰۷	۲۰۷

با توجه به جدول:

از انواع تدین بین زیر مؤلفه سنتی با سازگاری زناشویی ضریب همبستگی ۰.۲۴۲ با سطح معنی‌داری ۰.۰۰۰ به دست آمد. بنابراین رابطه مستقیم ضعیفی بین این دو متغیر وجود دارد.

از انواع تدین بین زیرمؤلفه تحقیقی با سازگاری زناشویی ضریب همبستگی ۰.۴۳۳ با سطح معنی‌داری ۰.۰۰۰ به دست آمد. بنابراین رابطه مستقیم متوسطی بین این دو متغیر وجود دارد.

از انواع تدین بین زیر مؤلفه دین‌جویان با سازگاری زناشویی ضریب همبستگی ۰.۴۲۳ با سطح معنی‌داری ۰.۰۰۰ به دست آمد. بنابراین رابطه مستقیم متوسطی بین این دو متغیر وجود دارد.

از انواع تدین بین زیر مؤلفه دین‌گریزان با سازگاری زناشویی ضریب همبستگی ۰.۰۴۷ با سطح معنی‌داری ۰.۵۰۱ به دست آمد. بنابراین رابطه‌ای بین این دو متغیر وجود ندارد.

از انواع تدین بین زیر مؤلفه بی‌تفاوت‌ها با سازگاری زناشویی ضریب همبستگی -۰.۱۹۱ با سطح معنی‌داری ۰.۰۰۶ به دست آمد. بنابراین رابطه معکوس ضعیفی بین این دو متغیر وجود دارد. یعنی با افزایش بی‌تفاوتی نسبت به دین، سازگاری زناشویی کاهش می‌یابد.

از انواع تدین بین زیر مؤلفه دین‌ستیزان با سازگاری زناشویی ضریب همبستگی -۰.۱۹۲ با سطح معنی‌داری ۰.۰۰۶ به دست آمد. بنابراین رابطه معکوس ضعیفی بین این دو متغیر وجود دارد. یعنی با افزایش دین‌ستیزی، سازگاری زناشویی کاهش می‌یابد.

### بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه اول مبنی بر رابطه بین میزان تدین با سازگاری زناشویی در بین کارمندان سازمان تامین اجتماعی شهر تبریز با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن آزمون شد. نتایج از ارتباط بین میزان تدین با سازگاری زناشویی خبر داد که دور از انتظار نیست. این یافته با مطالعات مارگارت و همکاران (۱۹۹۰)، کال و هیتون (۱۹۹۷)، سولیوان (۲۰۰۱)، هانلر و گنچوز (۲۰۰۵)، و اورتینگال و نستیوگن (۲۰۰۶)، همسوئی دارد. کلیه این پژوهش‌ها نیز به وجود رابطه مثبت معنی‌دار بین دین‌داری و سازگاری زناشویی صحت داشته و دین‌داری را به عنوان یکی از عوامل موثر بر احساس رضایت از زندگی زناشویی در نظر گرفته‌اند. یکی از اساسی‌ترین جایگاه‌های حضور انسان در عرصه زندگی، خانواده است که مهم‌ترین مهد تربیت انسان‌ها به شمار می‌رود. برای سالم‌سازی روابط در این کانون، نخستین اعضای آن، یعنی زن و شوهر، باید از مهارت‌های لازم برای ایجاد روابط سالم و حفظ کانون خانواده از هر موضوعی که یکان آن را به خطر افکند، برخوردار باشند. اسلام، که جامع‌ترین برنامه هدایت بشر است، از این بعد مهم زندگی انسان غفلت ننموده و قوانینی برای حفظ و استواری خانواده قرار داده است. با آغاز زندگی زناشویی و تشکیل کانون خانواده، زن و شوهر عهده‌دار تعهداتی حقوقی، اخلاقی و اقتصادی نسبت به یکدیگر می‌شوند. این تعهدات دو سویه است، یعنی همان‌طور که هر یک وظایفی نسبت به دیگری بر عهده می‌گیرد، دارای حقوقی نیز می‌شود که همسر موظف به ادای آن حقوق است. در تفکر اسلامی، زن و مرد رابطه‌ای متقابل دارند و هر یک موظف به انجام تکالیف خود و رعایت حقوق دیگری هستند و در این مسیر نه با هم کاملاً برابرند و نه کاملاً مستقل از یکدیگرند، بلکه آن‌ها مکمل یکدیگر هستند، نه دو قطب مخالفی که وجود هر یک، عرصه را بر دیگری تنگ می‌کند و به ناچار یکی باید حذف شود یا تسلیم دیگری باشد، به این معنا که وظایف و مسئولیت‌های آن‌ها در خانواده به طور کامل شبیه به یکدیگر نیست، یعنی زن و مرد نیازهای متقابلی دارند که هر کی از آن‌ها توانایی لازم را برای رفع نیاز و نقص طرف مقابل داراست.

فرضیه دوم مبنی بر ارتباط بین نوع تدین با سازگاری زناشویی در بین کارمندان سازمان تامین اجتماعی شهر تبریز با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن آزمون گردید. نتایج حاکی از ارتباط مستقیم معنی‌دار انواع تدین سنتی، پژوهشی و دین‌جویان با سازگاری زناشویی بود. این ارتباط بین انواع تدین بی‌تفاوت‌ها و دین‌ستیزان با سازگاری زناشویی معکوس معنی‌دار و برای دین‌گريزان معنی‌دار نبود. پژوهشی در مورد بررسی این مؤلفه‌ها در دسترس نیست. این یافته بدین معناست که مهم‌ترین نوع تدین در داشتن سازگاری زناشویی، نوع پژوهشی است و به سهم خود می‌تواند منجر به رضایت، بهبود روابط زن و شوهر در نتیجه سازگاری زناشویی گردد. چندین مطالعه (روس، وستفیلد و انسلی، ۲۰۰۱؛ پترسونو، های وورث، ترنر و رسکین، ۲۰۰۰)، نشان دادند که مورد توجه قرار دادن باورهای مذهبی در طی مراحل درمان می‌تواند در بهبود روابط زن و شوهر مفید باشد. بدین صورت که هرگاه، تعارض خانوادگی بر سر موضوعی خاص شکل می‌گیرد، مذهب می‌تواند از طریق مفاهیم معنوی و ارزش‌های مذهبی مشترک،



اختلاف نظر بین افراد را تعدیل کند. تاکید دین بر مفاهیمی مانند تقدس ازدواج، می‌تواند مسیر حل تعارضات زناشویی را هموار سازد (ماهونی و همکاران، ۱۹۹۹). از این رو درمانگران می‌توانند نقش باورهای مذهبی و بعد متعالی رابطه زناشویی را طی فرایند حل اختلافات زناشویی مورد توجه قرار دهند. از سوی دیگر با استفاده از روش‌های مداخله‌ای مذهبی می‌توان به حل تعارضات زناشویی کمک نمود. لطف‌آبادی (۱۳۸۴)، در پژوهش خود به این نتیجه رسید که ۹۰.۳ درصد از مردم تهران دارای هویت دینی بسیار نیرومندی هستند. این امر نشان دهنده نیرومندی باورهای دینی در میان مردم کشور ما می‌باشد. از این رو، درمانگران می‌توانند از چنین باور و معنویتی به عنوان یک شیوه درمانی در حل اختلافات زناشویی بهره گیرند. یکی از دلایلی که نشان می‌دهد مذهب می‌تواند دیدگاه فکری زوجین را تحت تأثیر قرار دهد این است که احتمال این که افراد مذهبی‌تر ازدواج خود را دارای کیفیتی معنوی ببینند، بیشتر می‌باشد. مطالعه بر روی ۹۷ زوج، که نماینده تنوع مذهبی زوج‌های آمریکایی بودند نشان داد که آن‌ها مفهوم «تقدس» را در مورد ازدواج خود به کار می‌برند. بدین معنی که غالباً چنین تصور می‌کردند که ازدواج آن‌ها محتوایی معنوی دارد (ماهونی، ۲۰۰۵). بنابراین به نظر می‌رسد اگر زوجین به طور عمیق به معنوی بودن ازدواج خود اعتقاد داشته باشند، مشاجرات دائم می‌تواند ترس روانی از دست دادن رابطه با خداوند و احساس گناه را با خود به همراه داشته باشد، از این رو سعی در حفاظت از زندگی مشترک خود دارند (لطف‌آبادی، ۱۳۸۴).

### پیشنادهای کاربردی

- بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، خانواده درمانگرها می‌توانند نقش باورهای مذهبی را هم در بروز و هم در حل اختلافات زناشویی، به عنوان عاملی مهم در نظر بگیرند.
- گسترش آموزه‌های دینی در سازمان و ادارات ممکن است بتواند میزان سازگاری زناشویی کارمندان را افزایش دهد.
- سوق دادن خانواده‌های ناسازگار دارای ارزش مذهبی به سوی درمانگران آشنا به مفاهیم دینی جهت ارائه خدمات به این‌گونه افراد می‌تواند موثر واقع بشود.

## منابع

- Azazi, Shahla. (1997). **Sociology of the family with emphasis on the role, structure and function of the family in contemporary times**. Tehran: Roshangaran Publications and Women's Studies.
- Azerbaijani, Massoud. (2003). **Social psychology with an attitude towards the sources of religion**. seminary research and university.
- Blum, J. S., & Mehrabian, A. (1999). Personality and temperament correlates of marital satisfaction, **Journal of Personality**. 67, P.p: 93-125.
- Call, V. R., A., & Heaton, T., B. (1997). Religious influence on marital stability, **Journal for the Scientific Study of Religion**. 36, P.p: 382-392.
- Cornwall, Marie. (1989). The Determinants of Religious Behaviour: A Theoretical Model and Empirical Test, **Social Forces**. 68, (2), P.p: 572-592.
- Cornwall, Marie; Stan Albrecht; Perry Cunningham & Brian Pitcher. (1986). the Dimensions of Religiosity: A Conceptual Model with an Empirical Test, **Review of Religious Research**. 27, (۳), P.p: 44-226.
- Durkheim, Emile. (2004). **The basic forms of religious life**. Translation: Bagher Parham. Tehran: Markaz Publishing.
- Glenn N., D. (1996). **The Text book story of American marriages and families**. New York: Institute for American Values.
- Glock, Charles & Rodney, Stark. (1965). **Religion and Society in Tension**. Chicago: Rand McNally.
- Greef, A., Bruyne T. (2000). Conflict management style and marital satisfaction, **Journal Sxe and Marital Therapy**. 26, P.p: 321-341.
- Hunler, O, S. & Genc, O'Z, T., I. (2005). The effect of religiousness on marital satisfaction: testing the mediator role of marital problem solving between religiousness and marital satisfaction, **Contemporary Family Therapy**. 27, (1), P.p: 123-136.
- Khodayari Fard, Mohammad; Shahabi, Ruhollah; Akbari Zardkhaneh, Saeed. (2007). The Relationship between Religious Attitude and Marital Satisfaction in Married Students, **Family Research Quarterly**. No. 10.
- Klein, David M & James, M White. (2002). **Marital problems and marital satisfaction, an examination of a Brazilian sample**. Marriage and family therapy programe.
- Lotfabadi, Hussein. (2005). **Searching for theoretical foundations for measuring the spiritual characteristics of therapists in interaction with therapists**. Excerpts from the Conference on Theoretical Foundations and Psychometrics of Religious Scales, Office of National Plans of the Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Mahoney, A. (2005). Religion and conflict in marital and parent child relationship, **Journal of social issues**. 61, (4), P.p: 689-706.
- Orathinkal, J. & Vansteewegen, A. (2006). **Religiosity and Marital satisfaction, Contemporary Family Therapy**. 28, P.p: 497-504.
- Peleg, Ora. (2008). The relation between differentiation of self and marital satisfaction: what can be learned from married people over the course of life? **The american journal of family therapy**. Vol. 36, P.p: 388-401.
- Riahi, Mohammad Esmaeil et al. (2007). A Survey of Marital Satisfaction in Women Referred to Health Centers in Arak, **Hayat Quarterly**. Volume. 9, Number. 19, P.p: 44-51.

- 
- Ritzer, George. (1995). **Sociological theory in contemporary times**. Translated by Mohsen Solasi, Tehran: Scientific Publications, second edition
- Sullivan, T. (2001). Understanding the relationship between religiosity and marriage: an investigation of the immediate and longitudinal effects of religiosity on newlywed couples, **Journal of Family Psychology**. 15, P.p: 610-628.
- Vaijayanthimala, K. Kumari, K. & Panda, P. (2004). Socio-Economic Heteronomy and Marital Satisfaction, **Journal of Human Ecology**. 15, (1), P.p: 9-11.

---

## **Investigating the relationship between religiosity and marital adjustment among employees of Social Security organization of Tabriz**

**Samad Sabbagh**

*Assistant Professor of Sociology, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Department of Sociology, Tabriz- Iran (Corresponding Author). E- mail: sabagh@iaut.ac.ir*

**Omid Ali Khoshalhan**

*Master of Sociology, Islamic Azad University, Tabriz Branch.*

The purpose of this study was to investigate the relationship between religiosity and marital adjustment among Social Security organization employees of Tabriz. This study is practical, the method of the study is descriptive and data collection method is fieldwork. The study population, consisted of all Social Security organization employees in Tabriz whom were 450 subjects. The sample size was 207 that estimated using Cochran formula and members were selected randomly. For data collection two questionnaires were used: Graham B. Spanier marital adjustment (DAS) questionnaire and researcher-made questionnaire of religiosity with the acceptable reliability and validity. For statistical analysis Spearman correlation tests were used. Results show that, there is a positive relationship between religiosity and marital adjustment. Traditional, research and religion-seekers types of religiosity were positively associated with marital adjustment. There was no significant relationship between irreligious and marital adjustment. Also, there was a significant inverse relationship between indifferent and irreligion types of religiosity with marital adjustment.

**Key words: Marital Adjustment, Religiosity, Types Of Religiosity.**